



1

Vol. 12
Spring 2026

Research Paper

Received:
2025/09/13
Revised:
2025/10/05
Accepted:
2025/10/05
Published:
2026/05/22
P.P: 159-184

ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 3092-7765



State Studies of Contemporary Iran

Analysis of the Capacities of the Constitution of the Islamic Republic of Iran for Responsible Public Participation in Governance according to Muhammad Baqir al-Sadr's Theory of Collective Caliphate of Man

Amir Naeemi ^{1*} | Tavakkol Habibzade ²

Abstract

Public participation in political systems is one of the most significant factors in ensuring the efficiency and stability of governments. In Islamic governance, such participation is not only recognized as a social right but also regarded as a religious duty. This article aims to examine the capacities of the Constitution of the Islamic Republic of Iran regarding responsible public participation in governance, based on Ayatollah Sayyid Muhammad Baqir al-Sadr's theory of the "dual foundation of legitimacy: divine and popular". The findings indicate that the Iranian Constitution, through various mechanisms such as Articles 6, 8, 27, 56, 100, and 174, guarantees people's participation at the levels of legislation, execution, and supervision. According to al-Sadr's theory of the vicegerency of man, the legitimacy of a political system is neither solely divine nor merely popular, but rather a combination of both. Therefore, responsible public participation in the Constitution of the Islamic Republic of Iran represents the practical realization of the theory of vicegerency of man and the popular pillar of legitimacy.

Keywords: Public Participation; Islamic Governance; Constitution; Ayatollah Muhammad Baqir al-Sadr; Vicegerency of Man; Legitimacy.

1. Corresponding Author: PhD student in Islamic Studies and Public Law at Imam Sadeq University and researcher at the Kausar Research Institute, Imam Hussein University, Tehran, Iran.

Email: am.naeemi@ihu.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Public and International Law, Imam Sadeq University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Naeemi, A; Habibzade, T (2026). Analysis of the Capacities of the Constitution of the Islamic Republic of Iran for Responsible Public Participation in Governance according to Muhammad Baqir al-Sadr's Theory of Collective Caliphate of Man. *State Studies of Contemporary Iran*, 1(12), 159–184. Doi: 10.47176/irsj.2026.1390

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0) .



تحلیل ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص مشارکت مسئولانه مردم در عرصه حکمرانی (بر اساس نظریه خلافت انسان شهید صدر (ره))

امیر نعیمی*^۱ | توکل حبیب زاده^۲

چکیده

مشارکت مردم در نظام‌های سیاسی یکی از مهم‌ترین عوامل کارآمدی و پایداری حکومت‌ها به شمار می‌رود. در حکومت اسلامی، این مشارکت نه تنها به عنوان یک حق اجتماعی بلکه به مثابه تکلیفی دینی نیز مطرح است. این مقاله باهدف بررسی ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص مشارکت مسئولانه مردم در عرصه حکمرانی، بر اساس نظریه «دو رکنی الهی - مردمی» شهید سید محمدباقر صدر نگارش یافته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که قانون اساسی ایران با پیش‌بینی سازوکارهای مختلف از جمله اصول ۶، ۸، ۲۷، ۵۶، ۱۰۰ و ۱۷۴، مشارکت مردم را در سطح تقنین، اجرا و نظارت تضمین کرده است. بر اساس نظریه خلافت انسان شهید صدر، مشروعیت نظام سیاسی نه صرفاً الهی و نه صرفاً مردمی، بلکه ترکیبی از هر دو است؛ بنابراین، مشارکت مسئولانه مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تجلی عملی نظریه خلافت انسان و رکن مردمی مشروعیت به شمار می‌آید. کلیدواژه‌ها: مشارکت مردم؛ حکمرانی اسلامی؛ قانون اساسی؛ شهید سید محمدباقر صدر؛ خلافت انسان؛ مشروعیت.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری رشته معارف اسلامی و حقوق عمومی دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشگر پژوهشکده

کوثر، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران. Email: am.naemi@ihu.ac.ir

۲. دانشیار، گروه حقوق عمومی و بین الملل دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

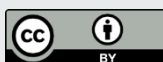
استناد: نعیمی، امیر؛ حبیب‌زاده، توکل، (۱۴۰۵). تحلیل ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص مشارکت مسئولانه مردم در عرصه حکمرانی (بر اساس نظریه خلافت انسان شهید صدر (ره))، **دولت پژوهی ایران معاصر**، ۱(۱۲)، ۱۵۹-۱۸۴.

Doi: [10.47176/irsj.2026.1390](https://doi.org/10.47176/irsj.2026.1390)

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

نویسندگان ©

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

مسئله مشارکت مردم در حکمرانی از مهم‌ترین موضوعات نظری و عملی در علوم سیاسی و حقوق عمومی به شمار می‌آید. در مکاتب غربی حکومت وامدار قدرت مردمی است و منبع قدرت حکومت، مردم هستند و از این رو مشارکت مردم نیز به عنوان حق مشارکت مردم در تمثیت امور حکمرانی مطرح می‌شود و چنانچه حکومتی از مشارکت شهروندان خود، بهره‌ای نبرد، باید درجه‌ای از استبداد را به آن نسبت داد؛ چرا که آن‌ها معتقد حکومت‌ها دو نوع است یا در دست مستبدین هستند یا مردم سالارند و در حکومت مردم سالار نمی‌توان از عدم مشارکت مردم یا عدم وجود چنین حقی سخن گفت.

نقش و نسبت مردم در حکومت اسلامی در سه مرحله پیش از تشکیل حین تشکیل و پس از تشکیل حکومت اسلامی طرح و بحث میشود لکن عمده نظریات در حوزه پیش از تشکیل و حین تشکیل تأکید داشته و چگونگی ایفای نقش مردم پس از تشکیل حکومت اسلامی - که در حال حاضر نیز در این مرحله هستیم - باید محل بحث و نظریه پردازی و نیز پژوهش‌هایی در جهت تحقق عینی مشارکت مردمی از جهت سازوکارها سطوح و شیوه‌های همراهی و ایفای نقش مردم در حکومت اسلامی باشد (قدسی و نائج، ۱۴۰۳: ۱۷۲).

در این میان، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان الگویی خاص از حکومت دینی، بر آن است تا با جمع میان «الهی بودن» و «مردمی بودن» مشروعیت، الگویی جدید از حکمرانی را عرضه کند؛ چرا که وقوع انقلاب اسلامی سرآغاز حرکت پرشتاب و عظیمی است که با سرنوشتی رژیم ستم‌شاهی و برپایی نظام مقدس جمهوری اسلامی، امیدهای فراوانی را برای تحقق آرمان بلند تمدن نوین اسلامی پدید آورد. این تمدن در مبنای، ارزش‌ها، فرهنگ و سبک زندگی تفاوت‌های عمیقی با تمدن مسلط غربی دارد و دست‌یابی به این آرمان بلند نیازمند طی مراحل مختلف و ساختن مسیر جدیدی است (نجاران طوسی، ۱۴۰۱: ۵۲).

پرسش اصلی در این زمینه آن است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مهم‌ترین سند حقوقی و سیاسی نظام محسوب می‌شود، تا چه میزان بستر لازم برای مشارکت مسئولانه مردم در حکمرانی

را فراهم کرده است؟ همچنین، چگونه می‌توان این ظرفیت‌ها را با نظریه‌های فقه سیاسی به‌ویژه نظریه «خلافت انسان» و «دو رکنی الهی - مردمی» شهید سید محمدباقر صدر تبیین و تحلیل کرد؟

شهید صدر از برجسته‌ترین اندیشمندان معاصر شیعه است که در عرصه فقه، اصول، فلسفه و اندیشه سیاسی آثاری ماندگار برجای گذاشت. وی با ارائه نظریه «خلافت انسان» بر این باور بود که خداوند، انسان را خلیفه خود در زمین قرار داده و اداره جامعه تنها با مشارکت آگاهانه و مسئولانه امت اسلامی معنا می‌یابد. از دیدگاه او، مشروعیت حکومت اسلامی نه صرفاً بر پایه نصب الهی و نه صرفاً بر اراده مردم، بلکه بر ترکیب این دو رکن استوار است. به بیان دیگر، در نظریه شهید صدر، مشارکت مردم نه تنها حقی اجتماعی بلکه تکلیفی دینی و مسئولیتی الهی محسوب می‌شود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با الهام از همین اندیشه، اصول متعددی را به مشارکت مردم اختصاص داده است. اصولی همچون اصل ۶ (انتخابات عمومی)، اصل ۵۶ (حاکمیت مردم به‌عنوان خلیفه خدا)، اصل ۸ (امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان وظیفه عمومی)، اصل ۲۷ (حق اجتماعات و راهپیمایی‌ها)، اصل ۱۰۰ (تشکیل شوراهای اسلامی) و اصل ۱۷۴ (سازمان بازرسی کل کشور) از جمله مهم‌ترین مواردی هستند که بستر قانونی مشارکت فعال و مسئولانه مردم را فراهم می‌سازند.

باوجود این، چالش‌های متعددی نیز در تحقق عملی این اصول مشاهده می‌شود. از جمله فاصله میان ظرفیت‌های حقوقی و واقعیت‌های اجتماعی، ضعف فرهنگ سیاسی مشارکت‌محور، و موانع نهادی در مسیر تحقق کامل مشارکت مردمی؛ بنابراین تحلیل جامع این ظرفیت‌ها و بررسی تطبیقی آن با اندیشه شهید صدر می‌تواند به روشن‌تر شدن ابعاد نظری و عملی مشارکت مردم در جمهوری اسلامی ایران کمک کند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت این تحقیق در آن است که می‌تواند به روشن شدن مبانی نظری مشارکت در جمهوری اسلامی و تقویت مبانی حقوقی و فرهنگی آن یاری رساند. از نظر نظری، این پژوهش امکان فهم بهتر نسبت میان «مشروعیت الهی» و «مقبولیت مردمی» را فراهم می‌آورد. از نظر عملی نیز، تقویت مشارکت مردم می‌تواند به افزایش کارآمدی نظام سیاسی، ارتقای اعتماد عمومی، و پیشگیری از انحرافات سیاسی و اجتماعی کمک کند.

اهداف و پرسش‌های تحقیق

هدف اصلی این مقاله، تحلیل ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مشارکت مسئولانه مردم در حکمرانی، بر اساس نظریه دو رکنی الهی - مردمی شهید صدر است. پرسش‌های فرعی عبارت‌اند از:

۱. نظریه شهید صدر در باب مشروعیت و مشارکت مردم چه ویژگی‌هایی دارد؟
۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چه اصولی را برای مشارکت مردم پیش‌بینی کرده است؟
۳. چه چالش‌هایی در مسیر تحقق عملی این اصول وجود دارد؟
۴. چگونه می‌توان نظریه خلافت انسان را در ظرفیت‌های قانون اساسی مشاهده کرد؟

روش پژوهش

برای پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده در این پژوهش، از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. این روش به دلیل ماهیت نظری موضوع، یعنی تحلیل مبانی مشروعیت و مشارکت مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظریه شهید صدر، مناسب‌ترین رویکرد به شمار می‌آید. در روش توصیفی - تحلیلی، ابتدا داده‌ها و اطلاعات موجود در منابع مرتبط گردآوری می‌شود و سپس با تحلیل منطقی و استدلالی، به نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

۱. نوع تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، بنیادی است؛ زیرا به دنبال تولید دانش نظری در حوزه فقه سیاسی شیعه و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران است. از نظر ماهیت، کیفی است؛ چراکه مبتنی بر تحلیل مفهومی، استنباط فقهی و بررسی متون حقوقی است، نه بر داده‌های کمی یا آماری.

۲. روش گردآوری داده‌ها

اطلاعات موردنیاز این پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است.

منابع اصلی شامل:

- آثار و تألیفات شهید سید محمدباقر صدر در حوزه اندیشه سیاسی
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تفاسیر مربوط به اصول آن
- پژوهش‌های پیشین در زمینه مشروعیت، مشارکت سیاسی و دموکراسی دینی

- مقالات و کتاب‌های فارسی و عربی در حوزه فقه سیاسی شیعه و حقوق اساسی

۳. روش تحلیل داده‌ها

پس از گردآوری داده‌ها، تحلیل بر اساس روش استنباطی و تطبیقی صورت گرفته است. بدین معنا که ابتدا مفاهیم و اصول نظریه شهید صدر استخراج شده، سپس اصول قانون اساسی مرتبط با مشارکت مردم بررسی شده و در نهایت تطبیق میان آن دو انجام شده است. این تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که ظرفیت‌های قانون اساسی تا چه میزان با نظریه «دو رکنی الهی - مردمی» شهید صدر هم‌خوانی دارد.

۴. محدودیت‌های تحقیق

از جمله محدودیت‌های این پژوهش، کمبود منابع تخصصی در زمینه تفسیر اندیشه شهید صدر و ارتباط مستقیم آن با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. همچنین، به دلیل ماهیت نظری موضوع، پژوهش حاضر فاقد داده‌های میدانی و آماری است و بیشتر به تحلیل مفهومی و متنی می‌پردازد.

مبانی نظری پژوهش

یکی از بنیادی‌ترین مباحث فقه سیاسی، موضوع مشروعیت حکومت است. در طول تاریخ اندیشه سیاسی شیعه، سه نظریه اصلی در این زمینه شکل گرفته است:

۱. **نظریه انتخابی:** در این دیدگاه، مشروعیت حکومت ناشی از اراده و انتخاب مردم است. به عنوان نمونه، آیت‌الله نائینی در تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله تأکید دارد که مردم می‌توانند با تشکیل حکومت مبتنی بر قانون اساسی، مانع از استبداد شوند و بر کار حاکمان نظارت کنند (نائینی، ۱۳۷۸: ۵۲).

۲. **نظریه نصب الهی:** این نظریه بر آن است که تنها خداوند حق تعیین حاکم را دارد و در عصر غیبت، فقهای جامع‌الشرایط به نیابت از امام معصوم، مشروعیت اداره جامعه را دارند. امام خمینی در ولایت‌فقیه تصریح می‌کند: «اگر فقیه عادل در رأس حکومت قرار نگیرد، احکام اسلام معطل می‌ماند» (خمینی، ۱۳۶۸: ۷۸).

۳. **نظریه الهی - مردمی:** این نظریه میان نصب الهی و مقبولیت مردمی جمع می‌کند. به عبارت دیگر، مشروعیت حکومت اسلامی تنها با نصب الهی کامل نمی‌شود و نیازمند پذیرش و رضایت مردم است. بدون مشارکت مردم، حتی حکومت منصوب از سوی خدا نیز دوام نمی‌یابد (حسینی نسب، ۱۳۹۶: ۸۱).

شهید سید محمدباقر صدر با ارائه نظریه خلافت انسان، چارچوبی نوین برای مشروعیت حکومت اسلامی ترسیم کرده است. او در خلافة الانسان و الشهادة علی الناس بیان می‌کند که: «انسان در اصل، خلیفه خدا بر زمین است و این خلافت به همه امت اسلامی تعلق دارد» (صدر، ۱۳۸۵: ۲۰۰۰).

این نظریه بر دو اصل استوار است:

رکن الهی: که نشان‌دهنده نصب الهی و مرجعیت شریعت است.

رکن مردمی: که به معنای مشارکت امت اسلامی در تحقق و استمرار حکومت است.

صدر در ادامه، نظریه دیگری به نام خط شهادت مطرح می‌کند. بر اساس آن، فقهای دینی وظیفه «شهادت و نظارت» بر امت را دارند و باید مسیر درست را به مردم نشان دهند. به تعبیر او، «فقیه، شاهدی بر امت است نه جایگزینی برای امت» (صدر، ۱۳۸۴: ۲۰۱۴).

تفاوت نظریه شهید صدر با دیگر دیدگاه‌ها

نظریه شهید صدر را می‌توان میانجی دو نظریه دیگر دانست. او همانند امام خمینی بر نصب الهی تأکید دارد، اما درعین حال، همچون نائینی، برای مردم نقش بنیادی قائل است. تفاوت مهم آن است که در نظریه ولایت فقیه، فقیه جامع‌الشرایط مستقیماً منصوب الهی است و مردم نقشی تکمیلی در تحقق خارجی حکومت دارند (خمینی، ۱۳۶۸: ۸۴)، اما در نظریه صدر، مشارکت مردم رکن مشروعیت به شمار می‌آید (اراکی، ۱۳۹۵: ۱۱۲).

از نگاه شهید صدر، مشارکت مردم نه فقط یک حق، بلکه یک تکلیف شرعی است. او تأکید می‌کند که امت اسلامی اگر در برابر انحراف یا ظلم سکوت کند، در پیشگاه خداوند مسئول خواهد بود (صدر، ۲۰۰۰: ۵۷)؛ بنابراین، حضور مردم در عرصه سیاست همانند انجام واجبات فردی، بخشی از مسئولیت دینی آنان محسوب می‌شود (حسینی‌نسب، ۱۳۹۶: ۷۹).

مبانی نظری پژوهش نشان می‌دهد که در اندیشه شهید صدر، مشروعیت حکومت اسلامی ترکیبی از نصب الهی و مشارکت مردمی است. او با نظریه خلافت انسان، مردم را خلیفه خدا و شریک اصلی در اداره حکومت می‌داند و با نظریه خط شهادت، وظیفه فقها را نظارت و هدایت معرفی می‌کند. بر این اساس، مشارکت مسئولانه مردم در حکومت اسلامی، هم حقی اجتماعی و هم تکلیفی الهی است.

بنابراین خلافت و حاکمیت عمومی بشری همچون سایر قوانین و سنت‌های الهی از امور فطری و تکوینی است که به‌عنوان نیاز طبیعی انسان و برای رسیدن به کمال از جانب خدا برای او تکویناً و ذاتاً جعل و عرضه شده است و ذاتاً نیز از سوی او مورد پذیرش قرار گرفته است. جامعه انسانی به‌عنوان جانشین خدا در زمین برای اداره و تدبیر امور خود به ایجاد دولت و در نتیجه تشکیل حکومت می‌پردازد؛ بنابراین پایه و اساس حکومت خلافت عامه انسان است. خلیفه بودن یعنی توانایی بالقوه ایجاد و تشکیل سازمان‌های حکومتی را داشتن و لذا بر انسان است که این توانایی و استعداد بالقوه را به نیرویی بالفعل تبدیل کرده و حکومتی را به وجود آورد. بر اساس خلافت انسان در زمین نظریه حکومت مردم بر مردم (نظریه حکم الناس لانفسهم) شکل می‌گیرد و ایجاد حکومت مردم بر مردم به‌عنوان جانشینی خدا در زمین مشروع و قانونی خواهد بود (صدر، ۱۳۹۹: ۱۰).

البته باید به این نکته توجه کرد که این مسئولیت دو جهت دارد؛ جهتی که به مستخلف و جهتی که به خود خلیفه مربوط می‌شود. بر اساس جهت اول انسان چون خلیفه خداوند است نمی‌تواند و حق ندارد بر اساس هوا و هوس و بر مبنای اجتهاد منفصل از هدایت خداوند به حکومت بپردازد؛ زیرا این کار با ماهیت خلافت منافات دارد؛ بنابراین صحیح آن است که انسان بر مبنای هدایت و توجه به خداوند به تشکیل حکومت بپردازد و از این طریق با پیاده نمودن احکام الهی زمینه تحقق امانت الهی را فراهم نماید. بر اساس جهت دوم باید گفت این امانت خلافت و مسئولیت از آزادی اختیار و اراده انسان حکایت می‌کند؛ زیرا تا اختیار و آزادی انسان نباشد مسئولیت و امانت‌پذیری معنا ندارد انسان مختار و صاحب اراده است که می‌تواند زمین را اصلاح و یا فاسد کند. سازوکار کنترل و هدایت در انسان‌ها توسط عنصر اساسی و مهم به نام نظارت و گواهی پیامبران انجام می‌شود و انسان از طریق کتاب‌های آسمانی هدایت می‌گردد.

بنابراین در نظریه «خلافة الانسان و شهادة الأنبياء» مبنای مردم‌سالاری دینی و مشروعیت حکومت مردم بر مردم اتخاذ شأن خلافتی است که از جانب حاکم علی‌الاطلاق به او رسیده است و همین مبنا در اعطای جواز حکومت مردم بر مردم که از جانب خداوند نازل شده است نقطه تفکیک مردم‌سالاری دینی از نظریه‌های لیبرال دموکراسی است؛ زیرا در نظام‌سازی اجتماعی که مردم‌سالاری به طور مطلق اعمال می‌شود، مردم در قبال کسی مسئول نیستند و مناطات واقعی و حقیقی مبنا عملکرد آنها قرار نمی‌گیرد، بلکه کافی است بر چیزی توافق کنند هر چند با مصلحت

و کرامت همه یا بخشی از مردم در تضاد باشد. بر خلاف مردم‌سالاری دینی که مردم از جانب خداوند به حکمرانی می‌پردازند و به واسطه آمیختگی خلافت و امانت مسئولیت‌پذیری در اداء امانت در خلافت و شئون مختلف آن از جمله حکمرانی مندمج شده است. بر همین اساس مبنای مشروعیت حکومتی که آیت‌الله صدر بیان داشته است ابتناء بر دوگانه مشروعیت الهی - مردمی است لیکن نه در رابطه عموم و خصوص من وجه بلکه ذیل منطق ارتباطی عموم و خصوص مطلق بدین نحو که مشروعیت مردمی نیز از درون مشروعیت الهی و با منشاء توحیدی به منصفه ظهور می‌رسد (اراکي، ۱۳۹۹: ۳۰۵).

با دقت در ارکان این نظریه، نقش مردم در نظام دموکراسی دینی به‌خوبی مشخص می‌گردد؛ چرا که از نقطه‌نظر ایشان نظریه خلافت انسان در ارتباط با نظارت گواهان (مرجعیت) تبیین کرده است. این مسئله از آن جهت اهمیت دارد و در این پژوهش به کار گرفته می‌شود که به نظر نگارنده شهید صدر در کنار مشروعیت الهی ناظران (گواهان) بر امت اسلامی، برای خلافت سیاسی مردم (امت) هم مشروعیت الهی قائل می‌شود و تنها به نقش آنها در مقبولیت و تشکیل نظام سیاسی اسلامی بسنده نمی‌کند؛ لذا آن چه در این پژوهش بیشتر مورد واکاوی قرار گرفته است رکن اول این نظریه که عبارت است از نقش مردم در حکومت اسلامی که بر اساس جعل الهی صورت گرفته است.

پیشینه پژوهش

در نهایت می‌توان گفت در این آثار عموماً اندیشه‌های سیاسی و حقوقی شهید صدر (ره) را به‌صورت کلی و یا تطبیقی با اندیشمندان مسلمان و یا امامین انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار داده‌اند. این در حالی است که در اثر حاضر که سعی در ارائه تبیینی صحیح از نظریه خلافت انسان شهید صدر (ره) داشته و مفهوم مشارکت مسئولانه مردم در عرصه حکمرانی مبتنی بر نظریه خلافت انسان برای نخستین‌بار مورد اشاره قرار گرفته است و مبانی، اصول، سطوح و اقسام این مشارکت به‌صورت جزئی و منطبق با ظرفیت‌های قانون اساسی ج.ا.ا بیان شده است و در گام بعد سعی شده چالش‌ها و موانع تحقق این الگو از مشارکت مردم در نظام حقوقی ایران مورد بررسی

قرار بگیرد و به صورت اجرایی و عملیاتی راهکارهایی که قابلیت تحقق در این زمینه را داشته باشد، پیشنهاد شود.

- محمودی، حبیبی و جمراسی. (۱۴۰۰)، «نقش مشارکت مردم در تحول حکمرانی». در پژوهش خود با عنوان نقش مشارکت مردم در تحول حکمرانی به بررسی اهمیت مشارکت به عنوان یکی از منابع اصلی قدرت و مشروعیت نظام‌های سیاسی پرداخته‌اند. مقاله بر این فرض استوار است که گسترش مشارکت مردمی در حوزه‌های مختلف می‌تواند به تحول در حکمرانی منجر شود. این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی، رابطه دوسویه مشارکت و حکمرانی را مورد واکاوی قرار داده و نشان داده است که مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم، علاوه بر تأثیر بر مشروعیت و کارآمدی حکمرانی، می‌تواند زیرساخت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه را نیز متحول کند. نویسندگان بر این باورند که برای دستیابی به توسعه پایدار، افزایش میزان مشارکت مردمی ضروری است و تحقق این هدف مستلزم بازاندیشی در زیرساخت‌های یادشده است. مقاله تأکید می‌کند که مشارکت سیاسی شهروندان در جوامع مدرن نه تنها یک ارزش اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شود، بلکه ابزاری کلیدی برای تحول حکمرانی و بهبود مدیریت سیاسی فضا به شمار می‌آید.

- اسماعیلی، محسن. (۱۴۰۰)، «مردم سالاری دینی در حکمرانی علوی». در پژوهش خود به بررسی اهمیت و ضرورت پرداختن به مردم‌سالاری در نظام‌های دینی، به‌ویژه حکمرانی علوی، پرداخته است. او بیان می‌کند که مردم‌سالاری یا دموکراسی به عنوان گفتمان غالب در جهان معاصر، جایگاه حقوقی و مطالبه عمومی پیدا کرده و در اسناد معتبر جهانی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تأکید شده است. از این رو، لازم است که موضع‌گیری شفاف و روشنی از سوی طرفداران حکومت دینی و علوی ارائه شود.

- حکیمی و همکاران. (۱۴۰۲)، «روابط متقابل مردم و حکومت در نسبت با ویژگی‌های حکمرانی مطلوب (مطالعه موردی: نهج‌البلاغه)». در پژوهشی به بررسی روابط متقابل میان مردم و حکومت بر اساس اصول حکمرانی مطلوب از منظر امام علی (ع) پرداخته‌اند. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا و با تکیه بر نامه‌ها، خطبه‌ها و حکمت‌های موجود در کتاب نهج‌البلاغه انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اصولی نظیر حاکمیت قانون،

شفافیت، پاسخگویی، برابری، فراگیری، اثربخشی، کارایی، مسئولیت‌پذیری، ثبات سیاسی و چشم‌انداز استراتژیک از ویژگی‌های حکمرانی مطلوب هستند که در اندیشه اسلامی نیز بر آن‌ها تأکید شده است.

- پناهی، سجاد. (۱۳۸۷) «تأثیر اندیشه‌های علامه سید محمدباقر صدر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». در این مقاله ابتدا به اختصار مبانی اندیشه شهید صدر از جمله حاکمیت، اراده و آزادی انسان و قانون‌گذاری را مورد بررسی قرار می‌دهد. سپس نویسنده در قالب عنوان ارکان حکومت اسلامی، مباحث امت، رهبری، ساختار سیاسی حکومت و اقتصاد اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد که این بررسی با مقایسه قانون اساسی ایران در سال ۱۳۵۸ صورت می‌گیرد. از نقاط قوت این مقاله قرار دادن شهید صدر در زمره طراحان و اثرگذاران بر تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ است که به صورت کاملاً مختصر مطابق با آنچه بیان شد، به این مسئله می‌پردازد. از نقاط ضعف مشهود این مقاله، عدم بررسی نظریه شهید صدر در حوزه حکومت اسلامی و جایگاه ولایت فقیه و مردم است؛ لذا برای آشنایان با اندیشه شهید صدر، این مسئله کاملاً مشهود به نظر می‌رسد. این مقاله مقایسه‌ای میان اندیشه شهید صدر و امام خمینی به عنوان مبدع اصلی ساختار سیاسی و قانون اساسی ایران صورت نمی‌دهد. همچنین این مقاله به اثرگذاری شهید صدر در بازگشت قانون اساسی سال ۱۳۶۸ به پیش نویس ایشان اشاره ندارد و آن را بررسی نمی‌کند.

- رضایی، حسن؛ توحیدفام، محمد. (۱۳۹۷) «نسبت‌سنجی الگوی حکمرانی خوب و مردم‌سالاری دینی». در این مقاله رابطه میان حکمرانی خوب و تقویت مردم‌سالاری دینی در ایران را بررسی کرده‌اند. این تحقیق با طرح این پرسش که «چه ارتباطی میان حکمرانی خوب و تقویت مردم‌سالاری دینی در ایران وجود دارد؟» به این نتیجه دست یافته که میان این دو مفهوم رابطه مستقیمی وجود دارد. مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیل کیفی نشان داده است که الگوی حکمرانی خوب، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، می‌تواند بستری مناسب برای تقویت مردم‌سالاری دینی در ایران فراهم کند.

بنابراین بعضی از آثار موجود به صورت غیر استقلالی در جریان موضوع دیگری به مباحث سیاسی شهید صدر می‌پردازند و عموماً در جریان بررسی کشور عراق است. در دسته دیگری از آثار عموماً اندیشه سیاسی شهید صدر در قالب نظریه‌نمایی یا سیر تطور و تحول آن را مورد

بررسی قرار می‌دهند و رویکرد حقوقی و نظام‌محور ندارند. از سویی هیچ‌کدام از آن‌ها به صورت نظام‌مند یا نظام‌واره نظام سیاسی - حقوقی اسلام را مبتنی بر آثار و آراء شهید صدر به تصویر نمی‌کشند و صرفاً یا به صورت غیر استقلالی و مختصر یا با رویکرد صرفاً اندیشه و فلسفه سیاسی به شهید صدر رجوع کرده‌اند. از سوی دیگر عمده آثار مذکور به تبع تصور رایج نظریه خلافت امت با نظارت مرجعیت را به شهید صدر نسبت می‌دهند و در بعضی از آثار تقسیم‌بندی سه‌گانه رایج یعنی ۱- حکومت انتخابی براساس شورا ۲- ولایت انتصابی عامه فقیهان و ۳- خلافت مردم با نظارت مرجعیت نیز مورد اشاره قرار گرفته است. درحالی‌که این مسئله صحیح به نظر نمی‌رسد و این تقسیم‌بندی و نظریه آخر قابل انتساب به ایشان نیست.

یافته‌های پژوهش

اقسام مشارکت مسئولانه مردم مبتنی بر ظرفیت‌های نظریه منتخب

در یک دسته‌بندی اولیه اقسام مسئولیت‌های مردم در عرصه حکمرانی به منظور نقش‌آفرینی فعال به دو دسته نقش‌های ناظر به ضروریات حکمرانی، نقش‌های ناظر به اختیارات مردم تقسیم می‌شود. این دسته‌بندی به ما امکان می‌دهد تا نقش مردم را از جوانب مختلف تحلیل کنیم:

۱. نقش‌های ناظر به ضروریات حکمرانی مردمی

نقش‌های ناظر به ضروریات حکمرانی مردمی مبتنی بر نظریه خلافت انسان شهید صدر و بر اساس مفاهیم عمیق اسلامی تعریف و طراحی شده است. این بخش ناظر به الزامات و اصول بنیادین مشارکت مردم در عرصه حکمرانی بوده و به عبارتی پایه و اساس حکمرانی مردمی را تشکیل می‌دهد و باید همواره ضمانت اجراهای لازم در جهت تحقق آن اندیشه شود. این نقش‌ها نه تنها نیازمند مشارکت مسئولانه، فعال و آگاهانه مردم هستند، بلکه نیاز به بسترسازی و حمایت قانونی و فرهنگی نیز دارند. در این بخش مردم در همه سطوح مذکور موظف هستند به صورت کامل مشارکت نموده و از تمام امکانات و ظرفیت‌های موجود در جهت تحقق این اهداف گام بردارند. از همین رو حکومت اسلامی نظر به اهمیت الزامات و اصول بنیادینی که مبنای نقش‌آفرینی مردم در این بخش است و پیش از این مورد اشاره قرار گرفته است، ظرفیت‌هایی را به صورت

ابتدایی و مشخص، کیفیت مشارکت مردم در آن را مشخص کرده و امت اسلامی از باب مقدمه واجب موظف است ضمن کسب آمادگی‌های لازم زمینه نقش آفرینی فعال و مسئولانه خود را در آن فراهم آورد. اهم این نقش‌ها عبارت‌اند از:

۱. نقش مردم در استقرار و تقویت حکومت

اولین و مهم‌ترین وظیفه مردم در قبال حکومت و دولت اسلامی، کمک به اصل استقرار و تشکیل آن است. بدین معنا که امت مسلمان باید در راستای تشکیل حکومت اسلامی در هر شرایطی تلاش کند و آن را محقق سازد. شهید صدر (ره) در کتاب «اسلام راهبر زندگی» در بخش «نگاهی فقهی و مقدماتی به پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» عینیت بخشیدن به اندیشه حکومت اسلامی را که امتداد حکومت الهی انبیاء و اولیای الهی است، از جمله وظایف و عرصه‌های نقش آفرینی ملت مسلمان می‌داند (صدر، ۱۳۹۳ الف: ۲۸).

این نقش مردم به هیچ وجه قابل مقایسه با نظام‌های دموکراتیک مرسوم نیست. بلکه این حاکمیت مردم ناشی از جایگاه خلافت الهی و مرکز مسئولیت در برابر خداوند است. شهید صدر معتقد است در نظام دموکراتیک، مردم منشأ سلطه هستند، در صورتی که در نظام اسلامی، مردم، در جایگاه خلافت الهی و مرکز مسئولیت در مقابل خداوند هستند. قانون اساسی در نظام‌های دموکراتیک، ساخته اندیشه انسان است و در بهترین فرض و در حالت آرمانی، ترجمان حکومت اکثریت بر اقلیت است. این در حالی است که بخش‌های ثابت قانون اساسی اسلامی را شریعت الهی و عدالت او تشکیل می‌دهد و این مسأله، بی‌طرفی و عدم جانب‌داری قانون اساسی را تضمین می‌کند (صدر، ۱۳۹۳ الف: ۳۹-۳۸).

حکومت اسلامی خود را در چارچوب احکام و قوانین اسلام محدود می‌نماید و به دنبال اجرای دستورات خداوند در تمام سطوح فردی و اجتماعی است و ارکان حکومت به برنامه‌ریزی در جهت تحقق این اهداف می‌پردازند. به عبارت دیگر در حکومت اسلامی قوه مقننه در راستای برنامه‌ریزی در محدوده احکام اسلام اقدام می‌نماید. از طرف دیگر ممکن است بر اساس مصالح امت اسلامی حاکم اقدام به صدور فرامین حکومتی نماید؛ اما آنچه در کنار قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی جهت اجرای احکام اسلام دارای اهمیت است، اجرای فرامین به وسیله مردم و همراهی

آنان است؛ چرا که قانون تا زمانی که اجرا نشود در عمل تأثیری در پیشبرد حکومت و وضعیت جامعه ایجاد نخواهد کرد؛ بنابراین اولین و بارزترین جلوه مشارکت فعال مردم در حکومت اسلامی مسئولیت‌پذیری و سهیم‌شدن در اجرای فرامین حکومتی و همراهی با حاکم اسلامی و نهادهای حکومتی است. علاوه بر اجرای فرامین حکومت اسلامی زمینه‌هایی را فراهم می‌آورد که حضور فعالانه و مشارکت آگاهانه مردم در آن موجب تقویت پایه‌های نظام اسلامی می‌گردد که شرکت در راهپیمایی‌ها از جمله آنان به حساب می‌آید (حسین زاده، ۱۳۸۵: ۱۹۰). در نتیجه بنابر ادله‌ای مانند حفظ نظام لزوم فرمان‌برداری از حاکم و تقویت پایه‌های حکومت اسلامی مردم باید در جهت اجرای قوانین و مقررات حکومت و همه عرصه‌های اجتماعی که موجب استحکام قدرت نظام اسلامی می‌گردد، مشارکت فعال و آگاهانه‌ای داشته باشند؛ بنابراین استقرار حکومت اسلامی با ویژگی‌هایی متمایز از حکومت‌های دموکراتیک بر نقش مردم به‌عنوان خلیفه الهی و مسئول در برابر او تأکید می‌کند و مردم بر اساس همین مسئولیت موظف‌اند حکومت اسلامی را در جامعه خود مستقر کنند (کعبی، ۱۳۹۲: ۱۳۶).

ب. نقش مردم در انتخاب شکل یا ساختار حکومت اسلامی در موارد خاص

یکی از وظایف دیگر مردم در قبال حکومت اسلامی، انتخاب شکل حکومت اسلامی در موارد مراجعه به آراء آنان است. در چنین شرایطی مردم در تعیین شکل حکومت اسلامی نقش محوری ایفا می‌کنند؛ زیرا مسأله شکل حکومت در عصر حاضر از جمله مسائلی است که اگرچه به تعبیر شهید صدر اسلام در این زمینه شکل و ساختار خاصی را ارائه کرده است، اما در مواردی - از جمله به قدرت رسیدن یک حکومت اسلامی که مرجعیت (ولی فقیه) حسب مصلحت، ساختار شورایی را برای آن مناسب ببیند - می‌تواند به پشتوانه آراء عمومی پایه‌گذاری شود. (صدر، ۱۳۹۳: ۲۹۱-۲۹۲).

ج. نقش مردم در انتخاب برخی کارگزاران در حکومت اسلامی

همان‌گونه که پیش از این بیان گردید از مبانی لزوم مشارکت فعال مردم در حکومت اسلامی لزوم مشورت به حاکم اسلامی و نصیحت و خیرخواهی برای امام مسلمین است. از همین رو هنگامی که حاکم اسلامی زمینه‌ای را برای ارائه نظرات مردم فراهم می‌نماید، وجوب مشارکت فعال امت اسلامی اقتضا می‌کند که مردم نیز با حضور آگاهانه و مسئولانه او را یاری نمایند. بر

همین اساس یکی از جلوه‌های بارز مشارکت فعال و مسئولانه در حکومت‌های اسلامی در زمان حاضر حضور در انتخاباتی است که جهت گزینش کارگزاران حکومتی در سطوح برنامه‌ریزی و تقنین و یا حوزه‌های اجرایی برگزار می‌گردد.

این وظیفه که به لحاظ مبنایی با نظام‌های دموکراتیک مرسوم متفاوت است، در امتداد نقش خلافت الهی و مسئولیت مردم در برابر خداوند است و ارتباطی با بنیان مشروعیت حکومت اسلامی یا حاکم اسلامی ندارد. چرا که بنیان مشروعیت حکومت یا حاکم اسلامی به طور مطلق از جانب خداوند است و انتخاب مردم در راستای وظایف و مسئولیت‌های آنان در قبال خداوند محسوب می‌شود. شهید صدر (ره) معتقد است مردم در تعیین و انتخاب موارد زیر نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند:

۱. انتخاب مرجعیت (ولی فقیه) به عنوان حاکم اسلامی: یکی از مواردی که مردم در تعیین آن نقش دارند، انتخاب حاکم اسلامی از میان مجتهدین عادل است. با این توضیح که پیامبر (ص) و امام معصوم (ع) از سوی خداوند با نام و مشخصات تعیین شده‌اند؛ اما مرجع به شکل نوعی تعیین شده و انطباق آن شرایط، بر شخص واجد شرایط، به عهده امت است. به همین دلیل مرجعیت به عنوان یک خط، تصمیمی است از جانب خدا ولی به عنوان تطبیق در فردی مشخص، تصمیمی از جانب مردم است. (صدر، ۱۳۹۳ الف: ۱۶۲) لذا از جمله شروط مرجعیت در قانون اساسی نیز بالفعل شدن او در میان مردم می‌باشد. (صدر، ۱۳۹۳ الف: ۳۴)

۲. انتخاب رئیس قوه مجریه: یکی دیگر از مواردی که مردم در انتخاب آن نقش دارند، انتخاب رئیس قوه مجریه است. (صدر، ۱۳۹۳ الف: ۳۳)

۳. انتخاب اعضای شورای اهل حل و عقد: انتخاب اعضای شورای اهل حل و عقد به عنوان یکی از ارکان اصلی قوه مقننه نیز در حکومت اسلامی بر عهده مردم گذاشته شده است. (صدر، ۱۳۹۳ الف: ۳۳)

د. نقش مردم در مشارکت در امور قوای مقننه، مجریه و قضائیه

مشارکت فعال مردمی در پذیرش مناصب حکومتی به این معنا است که مردم در حکومت اسلامی در امر اداره امور نظام سیاسی سهم گردیده و با پذیرش مسئولیت‌های حکومتی ولی مسلمین را در دستیابی به مقاصد جامعه اسلامی یاری نمایند. به عبارت دیگر در حکومت اسلامی مشروعیت اعمال حاکمیت و همه متفرعات ناشی از حکومت در دست حاکم است و او مسئول

همه امور حکومتی در حکومت اسلامی است؛ بنابراین شئون سه گانه حکومت اعم از تقنین قضا و اجرا در حکومت اسلامی در اختیار حاکم اسلامی است و همه قوای حکومتی تحت اراده و نظارت وی اداره می گردند؛ اما این امر به این معنا نیست که همه امور حکومت مانند امر قانون گذاری، امر قضاوت و امر اجرا به وسیله شخص حاکم اسلامی اداره یا اعمال می گردد، بلکه او برای انجام این وظیفه نیازمند به تشکیل ادارات و نهادهایی جهت اداره حکومت و همراهی کارگزاران و مشاورانی معتقد متخصص و کاردان است تا عهده دار مسئولیت های گوناگون حکومتی گردند (حسینی حائری، ۱۳۹۳: ۱۸۹).

در نتیجه اداره حکومت اسلامی مطابق اوامر خداوند متعال مستلزم وجود کارگزاری جهت همراهی و یاری حاکم است که این امر لزوم مشارکت مردم در اداره حکومت اسلامی را بر اساس مبانی دینی اثبات می نماید. چرا که در حقیقت حاکم اسلامی به تنهایی نمی تواند دولت اسلامی را اداره کند و نیازمند به یاری کارگزاری دارای شرایط است؛ بنابراین مردم با شیوه ای که قانون اساسی آن را معین می کند صاحبان حق در اقدامات این دو قوه هستند و این حق، حق سرپرستی و خلافتی است که از منبع قدرت حقیقی که خداوند متعال باشد برگرفته شده است (صدر، ۱۳۹۳ الف: ۳۲).

بنابراین بر عموم مسلمانان واجب است که در حد کفایت خود را برای تصدی مناصب آماده نمایند و پس از کسب صلاحیت های لازم با اعلام آمادگی خود را در معرض انتخاب قرار دهند تا با بر عهده گرفتن مناصبی مانند قضاوت، اداره امور اجتماعی و سیاسی و... از یک سو به وظیفه شرعی خود در زمینه مشارکت در حکومت اسلامی عمل نمایند و از سوی دیگر عاملی برای استمرار حکومت و عدم تعطیلی احکام الهی و پیشبرد اهداف حکومت اسلامی باشند.

هـ. نقش های ناظر به نظارت و مطالبه گری

یکی دیگر از وظایف مردم نظارت بر امور عمومی و مطالبه گری از کارگزاران و کنشگران است. شهید صدر ضمن اشاره به اهمیت نقش نظارتی مردم بر حکومت و مسئولان معتقد است که مردم باید به عنوان ناظر بر عملکرد نهادهای دولتی وظیفه خود را انجام دهند. وی بر این باور است که نظارت و کنترل اجتماعی می تواند به حاکمیت پاسخگو کمک کند. شهید صدر این زمینه حالت های متعددی را بیان نموده است:

۱. مردم در این موارد موظف به نظارت و مطالبه گری هستند: کارگزاران و کنشگران نسبت به احکام الهی یا مقررات حکومت و دولت اسلامی ناآگاه باشند، یا برخی از قوانین و اقدامات با اسلام در تعارض باشد؛ تعارضی که منشأ آن عدم اطلاع کارگزاران و کنشگران از حقیقت حکم شرعی یا ماهیت مسأله است. (صدر، ۱۳۹۳ د: ۲۸۱-۲۸۲).

۲. اگر در امور عمومی همچون قانون‌گذاری یا اجرای امور، کنشگران و کارگزاران عمداً و به خاطر هوای نفس یا نظری آنی و حساب نشده، مبنایی مغایر با مبنای اسلامی و بر خلاف مصالح عمومی اتخاذ کنند، مردم موظفند علاوه بر نظارت، امر به معروف و مطالبه گری، زمینه عزل و برکناری خاطیان را فراهم نمایند. شهید صدر معتقد است در حالتی که حکومت در قانون‌گذاری یا اجرای امور با مبنای اسلامی مخالفت کند ابتدائاً بر مسلمانان واجب است که حاکم را عزل و دیگری را جایگزین او کنند؛ زیرا عدالت از شروط حکومت در اسلام است و با انحراف عمدی حاکم از اسلام، این عدالت از بین رفته و در نتیجه قدرت او غیرمشروع می‌گردد. در این مورد مسلمانان باید بدون جنگ داخلی حاکم را عزل کنند (صدر، ۱۳۹۳ د: ۲۸۲-۲۸۳).

۲. نقش‌های ناظر به اختیارات مردم

مقصود از نقش‌های ناظر به اختیارات مردم شامل ظرفیت‌هایی است که امت اسلامی با طراحی و بر عهده گرفتن امور جاری مسلمانان و جامعه و مسئولیت‌پذیری در تحقق اهداف حکومت اسلامی در محدوده قوانین و تحت هدایت و نظارت رهبری به مشارکت در آنها می‌پردازند. در تبیین این تعریف باید گفت که تحقق برخی اهداف حکومت اسلامی منوط به مشارکت ابتدایی مردم است به نحوی که تمام مراحل طراحی، تأسیس و اداره مشارکت از طریق مردمی صورت می‌گیرد و بدون اینکه قبلاً حکومت زمینه خاصی را برای مشارکت مردم فراهم کرده باشد یا از آنان دعوت به مشارکت نموده باشد (حسینی حائری، ۱۳۹۳: ۲۱۰). در این زمینه مسلمانان خود با تشخیص برخی مشکلات یا کاستی‌های موجود در امور جامعه اسلامی به رفع آنها می‌پردازند. از این رو می‌توان عرصه‌های مشارکت مردمی در حکومت اسلامی را در سه نوع مشارکت تکمیلی، اصلاحی و ابتدایی بررسی کرد. برخی از مهم‌ترین نقش‌های مردم در این زمینه عبارت‌اند از:

ا. نقش‌های ناظر به اطلاع‌رسانی، تذکر و ارشاد

یکی دیگر از جلوه‌های مشارکت مردم در امور است که در صورتی که سایر شهروندان، حاکمان و مسئولان جاهل به احکام الهی یا مقررات حکومت و دولت اسلامی باشند آنان را تعلیم می‌کنند و همچنین با مشورت دهی با حاکمان در حکومت اسلامی وظیفه ارشاد و نصیحت آن را ایفا می‌کنند. این اندیشمند اسلامی تأکید می‌کند که مردم با ارتقاء آگاهی سیاسی و اجتماعی خود می‌توانند به فعالیت‌های اعتراضی و اجتماعات سیاسی بپردازند. ایشان به تأثیر این نوع مشارکت در ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی اشاره می‌کند و بر لزوم اعتراض به ظلم و فساد تأکید دارد. (صدر، ۱۳۹۳ الف: ۱۸۰-۱۸۲)

ب. نقش‌های ناظر به تقویت مشارکت مردمی

شهید صدر (ره) بر اهمیت وجود نهادهای مدنی و سیاسی به‌عنوان ابزارهای سازمان‌یافته برای نمایندگی خواسته‌ها و نیازهای مردم تأکید می‌کند. ایشان بر این باور است که تشکیل احزاب و سازمان‌های غیردولتی، امکان فعالیت‌های جدی‌تر و تأثیرگذارتر را برای شهروندان فراهم می‌کند؛ چرا که تشکیل و تقویت سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مدنی به‌منظور تسهیل ارتباط مردم با حکومت و تحقق نیازها و خواسته‌ها در راستای نقش‌آفرینی مسئولانه مردم در عرصه حکمرانی نقش مهمی می‌تواند ایفا نماید.

ج. نقش‌های ناظر به کنشگری جمعی

با افزایش آگاهی جمعی از مسائل اجتماعی، مردم می‌توانند به‌صورت فعالانه مشارکت کنند. با دسترسی آسان به منابع اطلاعاتی آنلاین، مردم مسئولیت دارند که خود و دیگران را درباره مسائل اجتماعی و حقوقی آگاه کنند. مردم مسئولیت دارند در جامعه ارزش‌هایی مانند صداقت، عدالت و انصاف را ترویج کنند. این مسئولیت می‌تواند از طریق آموزش و الگوسازی اجرایی شود؛ چرا که مردم مسئولیت دارند هویت فرهنگی و دینی خود را حفظ کرده و آن را به نسل‌های آینده انتقال دهند. این مسئولیت شامل مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی و ترویج فرهنگ بومی است. شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به‌منظور بهبود وضعیت موجود و تلاش برای جلب توجه به مسائل مهم اجتماعی از جمله این اقدامات به شمار می‌رود (کعبی، ۱۳۹۲: ۱۵۰).

اقسام مشارکت مسئولانه مردم مبتنی بر ظرفیت‌های قانون اساسی

۱. مبانی کلی مشارکت در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان میثاق ملی و سند بنیادین نظام، ظرفیت‌های متعددی برای مشارکت مردم در عرصه حکمرانی پیش‌بینی کرده است. اصل دوم قانون اساسی در بند ششم بر «استفاده از آرای عمومی» به عنوان یکی از پایه‌های جمهوری اسلامی تأکید دارد. همچنین اصل پنجم و پنجاه و ششم، حاکمیت را از آن خدا دانسته و مردم را خلیفه او معرفی می‌کنند؛ بدین معنا که انسان‌ها مأموریت دارند در قالب نظام جمهوری اسلامی، بر سرنوشت خویش حاکم باشند (همان: ۲۵).

۲. مشارکت سیاسی: انتخابات و جمهوریت

اصل ششم مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود». این اصل، مبنای برگزاری انتخابات در سطوح مختلف اعم از ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای اسلامی و خبرگان رهبری است. بر اساس دیدگاه شهید صدر، این اصل تجلی عملی «رکن مردمی» در مشروعیت حکومت است؛ زیرا مشارکت در انتخاب کارگزاران حکومتی، وظیفه‌ای الهی برای تحقق عدالت محسوب می‌شود (صدر، ۲۰۰۰: ۵۷).

۳. حاکمیت مردم به عنوان خلیفه خدا

اصل پنجاه و ششم به صراحت اعلام می‌کند: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است». این اصل، مبنای نظریه خلافت انسان شهید صدر را در قانون اساسی منعکس می‌کند. وی در خلافة الانسان بیان می‌کند که انسان در مقام خلیفه خدا موظف است با مشارکت در حکومت، جامعه را در مسیر عدالت اداره کند (صدر، ۲۰۰۰: ۴۵). بدین ترتیب، اصل ۵۶ نه تنها حاکمیت الهی را تثبیت می‌کند، بلکه اراده و مشارکت مردم را نیز به رسمیت می‌شناسد.

۴. مشارکت در قالب شوراها

اصل یکصد و یکم قانون اساسی تشکیل شوراهای اسلامی در شهرها و روستاها را به منظور پیشبرد امور با اتکا به آرای عمومی الزامی کرده است. شوراها بستر نهادی مشارکت مستقیم مردم در

تصمیم‌گیری‌های محلی‌اند. این اصل به‌خوبی با دیدگاه شهید صدر در مورد «تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری جمعی امت» همخوانی دارد (حسینی‌نسب، ۱۳۹۶: ۹۴).

۵. نظارت و مطالبه‌گری

از مهم‌ترین ظرفیت‌های مشارکت، حق نظارت مردم بر حکومت است. اصل هشتم، «امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر» را وظیفه‌ای همگانی معرفی می‌کند و آن را نه فقط یک وظیفه اخلاقی، بلکه تکلیفی اجتماعی و سیاسی می‌داند. این اصل به‌وضوح همان چیزی است که شهید صدر به‌عنوان «مشارکت مسئولانه» و «تکلیف الهی» معرفی کرده است (صدر، ۲۰۱۴: ۸۹). همچنین اصل نودم به هر فرد اجازه می‌دهد از طرز کار مجلس، قوه مجریه و قوه قضائیه شکایت کند. این حق شکایت و مطالبه‌گری، نمونه‌ای از مشارکت سیاسی - حقوقی مردم در کنترل قدرت است. علاوه‌بر آن، اصل یک‌صد و هفتاد و چهارم تشکیل سازمان بازرسی کل کشور را برای نظارت بر حسن اجرای قوانین مقرر داشته است (همان: ۱۵۷).

۶. آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی

قانون اساسی آزادی‌های اساسی را به‌عنوان بستر مشارکت عمومی تضمین کرده است: اصل بیست و چهارم: آزادی مطبوعات و نشریات. اصل بیست و ششم: آزادی تشکیل احزاب و جمعیت‌ها. اصل بیست و هفتم: آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها. این اصول، زمینه‌ای برای مشارکت خودجوش و مدنی مردم فراهم می‌آورند. از منظر شهید صدر، چنین آزادی‌هایی ابزار امت برای ایفای نقش «خلافت» در برابر خداوند و جامعه‌اند (سعدی، ۱۳۹۹: ۱۴۲). بنابراین اصول متعددی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشارکت مردم را به رسمیت می‌شناسند؛ از مشارکت انتخاباتی و نهادی (اصول ۶ و ۱۰۰) گرفته تا حق نظارت و مطالبه‌گری (اصول ۸، ۹۰ و ۱۷۴) و آزادی‌های اجتماعی (اصول ۲۴، ۲۶ و ۲۷). این ظرفیت‌ها در مجموع، بستر قانونی تحقق نظریه دو رکنی الهی - مردمی شهید صدر را فراهم می‌کنند. بااین حال، چالش‌هایی در اجرای کامل این اصول وجود دارد که در بخش «بحث و تحلیل» بررسی خواهد شد.

اقسام مشارکت مسئولانه مردم در حکمرانی

مشارکت مردم در حکومت اسلامی، صرفاً به حضور در انتخابات محدود نمی‌شود، بلکه سطوح و اقسام مختلفی دارد. شهید سید محمدباقر صدر با تبیین نظریه «خلافت انسان» و «خط شهادت»، مشارکت را یک تکلیف الهی و اجتماعی دانسته است (صدر، ۲۰۰۰: ۵۷). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این مشارکت در قالب اصول و نهادهای مختلف پیش‌بینی شده است.

۱. مشارکت انتخاباتی

یکی از آشکارترین جلوه‌های مشارکت مردم، حضور در انتخابات است. اصل ششم قانون اساسی مقرر می‌دارد که «امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود. این مشارکت شامل انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس، خبرگان رهبری و شوراهای اسلامی است. در اندیشه شهید صدر، انتخابات نه تنها یک حق سیاسی، بلکه تکلیفی دینی برای تحقق عدالت اجتماعی است (صدر، ۲۰۱۴: ۹۱).

۲. مشارکت شورایی

قانون اساسی در اصول متعددی، شوراهای را به‌عنوان بستر مشارکت مستقیم مردم پیش‌بینی کرده است. اصل یکصد و شصت و یک شوراهای اسلامی شهر و روستا را به‌منظور پیشبرد امور محلی با اتکا به آرای مردم الزامی می‌داند. شهید صدر نیز شوراهای را از جلوه‌های تصمیم‌سازی جمعی امت می‌داند و بر ضرورت همکاری عمومی در اداره امور تأکید می‌کرد (حسینی‌نسب، ۱۳۹۶: ۹۴).

۳. مشارکت نظارتی و مطالبه‌گرانه

شهید صدر مشارکت مردم را به نظارت بر حاکمان گره زده و سکوت در برابر ظلم را خلاف مسئولیت دینی دانسته است (صدر، ۲۰۰۰: ۵۷). در همین راستا، اصل هشتم قانون اساسی «امربه معروف و نهی از منکر» را به‌عنوان وظیفه‌ای همگانی مطرح می‌کند. همچنین اصل نودم به مردم اجازه داده است از عملکرد قوای سه‌گانه شکایت کنند (همان: ۱۰۲). این سازوکارها، مشارکت مردم در نظارت و اصلاح ساختار حکومت را امکان‌پذیر می‌سازند.

۴. مشارکت مدنی و اجتماعی

آزادی‌های مدنی یکی از مهم‌ترین ابزارهای مشارکت غیرمستقیم مردم‌اند. قانون اساسی آزادی مطبوعات (اصل ۲۴)، آزادی تشکیل احزاب (اصل ۲۶) و آزادی اجتماعات (اصل ۲۷) را تضمین کرده

است. شهید صدر نیز معتقد بود که امت اسلامی باید در قالب نهادهای اجتماعی و فرهنگی، به مسئولیت خلافت خود عمل کند و با فعالیت‌های جمعی، مسیر عدالت را هموار سازد (سعدی، ۱۳۹۹: ۱۴۲).

۵. مشارکت فرهنگی و دینی

یکی از اقسام مهم مشارکت، حضور مردم در عرصه‌های فرهنگی و دینی است. شهید صدر بر این باور بود که مشارکت سیاسی بدون آگاهی دینی و فرهنگی، ناقص است. وی تأکید داشت که «امت باید خود را با آموزش و آگاهی دینی تجهیز کند تا بتواند وظیفه خلافت را ایفا نماید» (صدر، ۲۰۱۴: ۹۳). قانون اساسی نیز در اصول دوم و سوم، بر وظیفه دولت و مردم برای آموزش عمومی، ارتقای آگاهی دینی و سیاسی و گسترش فرهنگ اسلامی تأکید کرده است. از این رو می‌توان گفت مشارکت مسئولانه مردم در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در پنج حوزه اصلی مشاهده کرد:

۱. انتخاباتی (انتخاب مسئولان عالی و محلی)
 ۲. شورایی (تصمیم‌گیری‌های جمعی محلی و ملی)
 ۳. نظارتی و مطالبه‌گرانه (کنترل قدرت و اصلاح انحرافات)
 ۴. مدنی و اجتماعی (آزادی‌های سیاسی و مدنی)
 ۵. فرهنگی و دینی (آگاهی‌سازی و رشد معنوی جامعه).
- این اقسام مشارکت، هم با مبانی نظری شهید صدر سازگارند و هم در اصول قانون اساسی انعکاس یافته‌اند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱. هم‌پوشانی نظریه شهید صدر و قانون اساسی

نخستین نکته آن است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعددی بازتاب‌دهنده نظریه «خلافت انسان» شهید صدر است. برای نمونه، اصل پنجاه و ششم حاکمیت مطلق را از آن خدا دانسته و انسان را خلیفه خدا بر سرنوشت اجتماعی خود معرفی کرده است. این

اصل، با مبنای نظریه شهید صدر که انسان را خلیفه خداوند در زمین می‌داند (صدر، ۲۰۰۰: ۴۵)، کاملاً هم‌راستا است.

از سوی دیگر، اصل ششم قانون اساسی که بر اداره امور کشور با اتکای به آرای عمومی تأکید دارد، ناظر به رکن مردمی مشروعیت در اندیشه شهید صدر است. او تصریح می‌کند که «امت اسلامی بدون مشارکت فعال خود، قادر به تحقق خلافت الهی نیست» (صدر، ۲۰۱۴: ۹۳).

۲. ظرفیت‌های نظارتی و تکلیف الهی

یکی از شباهت‌های مهم میان قانون اساسی و اندیشه شهید صدر، تأکید بر نظارت مردم است. اصل هشتم قانون اساسی امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه‌ای همگانی می‌داند. این اصل، تجلی همان اندیشه شهید صدر است که مشارکت مردم را نه صرفاً حقی اجتماعی، بلکه تکلیفی الهی معرفی می‌کند (صدر، ۲۰۰۰: ۵۷).

همچنین، حق شکایت مردم از قوا در اصل نودم (۱۰۲) و حق تشکیل اجتماعات و احزاب در اصول ۲۶ و ۲۷ (همان: ۶۳-۶۲)، ابزارهای حقوقی مشارکت مسئولانه را فراهم کرده‌اند. در اندیشه صدر، این ابزارها لازمه ایفای نقش «خلافت» امت هستند (سعدی، ۱۳۹۹: ۱۴۲).

۳. نقاط افتراق و چالش‌ها

با وجود هم‌پوشانی‌های فوق، تفاوت‌هایی نیز میان نظریه شهید صدر و قانون اساسی مشاهده می‌شود: ولایت فقیه و خلافت انسان: در قانون اساسی، اصل پنجم ولایت امر و امامت امت را به فقیه جامع‌الشرایط واگذار کرده است. در حالی که در اندیشه شهید صدر، نقش فقیه در چارچوب «خط شهادت» تعریف می‌شود؛ یعنی فقها شاهدان امت‌اند نه جایگزین آنان (صدر، ۲۰۱۴: ۹۵). میزان آزادی‌های مدنی: هرچند قانون اساسی آزادی‌های گسترده‌ای برای مردم در نظر گرفته، اما در عمل، محدودیت‌هایی وجود دارد که با ایده شهید صدر مبنی بر مشارکت فراگیر امت در تمام عرصه‌ها همخوانی کامل ندارد (حسینی‌نسب، ۱۳۹۶: ۱۰۷).

نهاده‌سازی شوراها: شهید صدر بر نقش شوراها در تحقق مشارکت واقعی مردم تأکید داشت (صدر، ۲۰۰۰: ۷۳)، اما در ایران شوراها اغلب با محدودیت‌های قانونی و مالی مواجه‌اند و کارکرد کامل خود را ایفا نمی‌کنند (سعدی، ۱۳۹۹: ۱۴۸).

۴. تحلیل تطبیقی

بر اساس مقایسه فوق، می‌توان گفت که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در اصولی چون ۶، ۸ و ۵۶، به‌طور قابل‌توجهی از اندیشه شهید صدر تأثیر پذیرفته است. بااین‌حال، در حوزه ولایت‌فقیه، شوراها و آزادی‌های مدنی، اختلاف‌هایی میان نظریه صدر و واقعیت حقوقی - اجرایی جمهوری اسلامی دیده می‌شود. این تفاوت‌ها عمدتاً ناشی از دو عامل‌اند:

تفاوت در شرایط اجتماعی - سیاسی: شهید صدر نظریه خود را در شرایط عراق دهه ۱۹۷۰ تدوین کرد، درحالی‌که قانون اساسی ایران در شرایط پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و بر اساس تجربه تاریخی خاص ایران تنظیم شد.

تفاوت در مبانی نظری: شهید صدر تأکید ویژه‌ای بر «خلافت امت» داشت، اما تدوین‌کنندگان قانون اساسی ایران بر «ولایت‌فقیه» به‌عنوان محور نظام سیاسی تمرکز کردند. راهکار مجموعه اقداماتی است که به‌منظور پاسخگویی و حل مسائل به‌کار می‌رود و راهکارهای مشارکت عمومی در حکومت اسلامی نیز به مفهوم مجموعه اقداماتی است که امت اسلامی با تصدی آن در امر اداره حکومت سهیم می‌شوند. به عبارت دیگر راهکارهای مشارکت فعال در نظام اسلامی شیوه‌ها و راه‌هایی است که مردم با پذیرش مسئولیت در زمینه‌های مذکور عهده‌دار مسئولیت اداره حکومت اسلامی و پیشبرد آن به‌سوی اهداف عالیه می‌گردند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین راهکارهای مشارکت مسئولانه مردم در نظام حقوقی اشاره می‌شود که برگرفته از مبانی و اصول اندیشه شهید صدر (ره) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که در ادامه این پژوهش تکمیل و تدقیق خواهد شد و در پایان می‌توان براساس آنچه در این پژوهش بدان پرداخته می‌شود زمینه افزایش مشارکت مسئولانه مردم و استفاده از ظرفیت‌ها و نهادهای مردمی را در نظام حقوقی ایران فراهم آورد:

- زمینه سازی نهادهای حاکمیتی برای حضور و نقش آفرینی مردم
- جلوگیری از انحصاری شدن ارائه خدمات عمومی و تسهیل گری در امکان مشارکت مردم
- پرهیز از تصدی گری دولت و حرکت به سوی نقش هدایت گری و نظارت نهادهای حاکمیتی
- فرهنگ سازی در جهت اعتماد به توانمندی های نهادهای مردمی و فعال کردن ظرفیت‌های آن
- مهارت افزایی و توانمندسازی کنشگران متخصص مردمی در جهت نقش آفرینی مبتنی بر اصل شایسته گزینی

- ساماندهی قوانین و مقررات حوزه مشارکت مردمی و نسخ قوانین و مقررات متناقض
- تعیین سازوکارهای مشخص در جهت افزایش مشارکت مردم و استفاده از ظرفیت‌های نهادهای مردمی

- تشکیل یک ستاد هوشمند مبتنی بر ظرفیت‌های نهادهای مردمی در جهت رصد پیشرفت ها و مشکلات
- تقویت سازوکارهای مردمی در عرصه حل و فصل دعاوی و رفع خصومات
- تقویت سازوکارهای مردمی در عرصه رفع فقر و ایجاد رفاه

بنابراین از منظر شهید صدر (ره) مشارکت فعال مردم در عرصه حکمرانی در نظام اسلامی عبارت است از پذیرش مسئولیت اداره حکومت اسلامی و شیوه‌ها و راه‌هایی که مردم با به کارگیری آن‌ها تلاش می‌کنند اهداف عالیه حکومت اسلامی را تحقق بخشند. نظر به ظرفیت‌های قانون اساسی ج.ا.ا امکان تحقق مشارکت مسئولانه مردم مبتنی بر نظام امام و امت و تحت اشراف و نظارت عالیه ولی فقیه وجود دارد که به صورت مختصر می‌توان آن را در یک نگاهی نو به عرصه‌های تبیین گری، مطالبه گری، اجرا، تصمیم گیری، تصمیم سازی، نظارت و اجرا تقسیم بندی نمود که متناظر با ظرفیت‌های موجود در قانون اساسی ج.ا.ا در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی قابل تحقق است که کیفیت و حدود و صغور آن در هر قسم از مسئولیت‌های ضروری و اختیاری مردم متفاوت خواهد بود.

فهرست منابع

- اراکي، محسن. (۱۳۹۵). مبانی فقهی مشروعیت دولت اسلامی. قم: نشر علم. ص. ۱۱۲.
- اراکي، محسن. (۱۳۹۹). فقه نظام سیاسی اسلام، جلد اول، قم: مجمع الفکر الاسلامی، چاپ چهارم.

- پورفرد، مسعود. (۱۳۸۷)، مبانی و مبادی اندیشه سیاسی شهید صدر، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۵۰، صص ۱۵۵-۱۸۴
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). ولایت فقیه فقاها و عدالت. قم: اسراء.
- حسینی حائری، سید کاظم. (۱۳۹۳)، زندگی نامه و خاطرات شهید صدر، ترجمه سید مهدی نوری و زینب آذربو، قم: دفتر نشر معارف، چاپ اول.
- حسینی حائری، سید کاظم. (۱۳۷۵)، نظام سیاسی اسلام، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۱، صص ۸-۴۹
- حسینی، سید ابراهیم. (۱۳۸۵)، نظام حقوقی اسلام؛ مبانی، منابع، ساختار و امتیازات، نشریه معرفت مهر، شماره ۱۰۶، صص ۱۰-۲۳.
- حسینی نسب، م. (۱۳۹۶). جمهوری دینی و چالش مشروعیت. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی. ص. ۷۵، ۷۹، ۸۱، ۹۴، ۱۰۵، ۱۰۷.
- خمینی، روح الله. (۱۳۶۸). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ص. ۷۸، ۸۴.
- سعدی، حسینعلی؛ محمدحسین بیاتی و بهنام طالبی طادی. (۱۳۹۸). انسان شناسی نظام سازی فقهی؛ با تأکید بر آراء آیت الله سیدمحمدباقر صدر. نشریه راهبرد فرهنگ، شماره ۴۸، ۱۹۵-۲۲۳.
- سعدی، م. (۱۳۹۹). خلافت انسان در اندیشه شهید صدر. تهران: انتشارات اندیشه. ص. ۱۴۲.
- صدر، س.م.ب. (۲۰۰۰). خلافة الانسان و الشهادة علی الناس. بیروت: دارالتعارف. ص. ۴۵.
- صدر، س.م.ب. (۲۰۱۴). اسلام راهبر زندگی. تهران: مرکز نشر. ص. ۸۹، ۹۱، ۹۳، ۹۵.
- صدر، سید محمدباقر. (۱۳۹۳ الف)، اسلام راهبر زندگی، ترجمه مهدی زندیه، قم: دارالصدر، چاپ اول.
- صدر، سید محمدباقر. (۱۳۹۳ ج)، اقتصاد ما، جلد دوم، ترجمه سید محمد مهدی برهانی، قم: دارالصدر، چاپ اول.
- صدر، سید محمدباقر. (۱۳۹۳ د)، بارقه ها، ترجمه سید امید مؤذنی، قم: دارالصدر، چاپ اول.
- صدر، سید محمدباقر، (۱۳۸۱)، سنت های تاریخ در قرآن، مترجم و محقق: جمال الدین موسوی اصفهانی، تهران: انتشارات تفاهم، چاپ سوم
- صدر، سید محمدباقر. (بهار ۱۳۸۲). نگرش فقهی و مقدماتی به پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه امین رضا عابدی نژاد. فلصنامه اندیشه صادق.
- قدسی، مصطفی؛ نائیج، محمد. (۱۴۰۳)، «الزامات مشارکت مردم در وضع قوانین و مقررات»، فصلنامه مدیریت اسلامی، دوره ۳۲، شماره ۲، صص ۱۹۵-۱۷۱
- کعبی، عباس. (۱۳۹۲). مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده شورای نگهبان، ج ۱.
- کعبی، عباس. (۱۴۰۱)، فقه حقوق اساسی، انتشارات منهاج علم، ج ۱.
- مصباح یزدی، م. (۱۳۸۰). حکومت اسلامی و ولایت فقیه. قم: مؤسسه امام خمینی. ص. ۹۹.

نائینی، م. (۱۳۷۸). تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله. تهران: نشر نی. ص. ۵۲
نجانان طوسی، حامد. (۱۴۰۱). «الگوی نقش‌آفرینی حوزه و دانشگاه در تمدن‌سازی مبتنی بر منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۵۳-۸۳

